

فصل اول:

# کلیات پژوهش

## عنوان پژوهش:

سیاست‌های اتحادیه اروپا در منطقه کردستان عراق

## بیان مسئله:

پس از یازده سپتامبر و تغییر ساختار سیاسی قدرت در عراق دولتها و بازیگران اصلی صحنه سیاست بین الملل هر یک در جهت تثبیت نقش و جایگاه خود در این ساختار جدید تلاش نمودند. بحران عراق و بروز تحولات جدید سیاسی در منطقه منجر به این تغییرات شگرف سیاسی، امنیتی و ژئوپولیتیک و بازتعریف نقش و جایگاه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. در این میان نقش و نفوذ اتحادیه اروپا به دلیل برخورداری از ویژگی‌های قدرت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیار حائز اهمیت است. اتحادیه اروپا به دنبال عراق جدید دموکراتیک با الگویی دارای ساخت و قدرت سیاسی متفاوت از گذشته در راستای اهداف اصلی خود یعنی متعادل کردن رفتار و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جهت رسیدن به این اهداف که یکی از آنها برقراری روابط گسترده با حکومت منطقه‌ای کردستان عراق می باشد تلاش خواهد کرد. لذا روابط جدید سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این اتحادیه با حکومت منطقه‌ای کردستان عراق نقش اتحادیه را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان یک بازیگر فعال چند جانبه گرا تقویت می کند و کردستان عراق نیز می تواند با داشتن روابط گسترده با اتحادیه اروپا نقش مؤثری در معادلات منطقه ای ایفا نماید

## سوال اصلی:

اتحادیه اروپا چه رویکردها و سیاست‌هایی در قبال حکومت منطقه‌ای کردستان در عراق جدید اتخاذ کرده است؟

## فرضیه ی اصلی:

سیاست‌های اتحادیه اروپا در منطقه کردستان عراق شامل تقویت تعاملات فرهنگی و اجتماعی مبتنی بر ایجاد روابط گسترده با حکومت منطقه‌ای کردستان عراق و تثبیت نقش و گسترش نفوذ اقتصادی و فرهنگی خود می‌باشد.

## سوابق مربوط:

با توجه به جدید بودن شکل‌گیری دیپلماسی اتحادیه اروپا در منطقه کردستان، در رابطه با سیاست‌های اتحادیه اروپا در کردستان و یا در منطقه کردستان عراق تاکنون نه در ایران و نه در جهان (با توجه به اطلاعات نگارنده) کار پژوهشی یا کتابی منتشر نشده است، لذا این پژوهش سرآغازی است برای پژوهش‌هایی که می‌خواهند به بررسی روابط اتحادیه اروپا و منطقه فدرال کردستان عراق بپردازند. اما در این پژوهش از منابعی در خصوص تحولات جدید در عراق، کتابهای نظری روابط بین‌الملل در خصوص سازه‌انگاری و همچنین کتابهایی در مورد سیاست خارجی و رویکردهای اتحادیه اروپا به خاورمیانه بهره گرفته شد. برای مثال کتاب تحولات کردستان عراق از گارث ستانسفیلد (زبان انگلیسی)، رساله دکتری آقای خالد خیاطی در خصوص دیاسپورای کرد در سوئد و فرانسه (در دانشگاه لینکوپینگ سوئد به زبان انگلیسی)، مقاله "سیاست خارجی اتحادیه اروپا در خاورمیانه" از ارا کوزمیچ (به زبان انگلیسی)، مقاله "اتحادیه اروپا و خاورمیانه" از خانم بسما مومانی (به زبان انگلیسی)، مقاله "منافع اتحادیه اروپا در خاورمیانه" از طاهره ابراهیمی فر (به زبان فارسی)، مقاله "اتحادیه عراق و بحران عراق" از سید جلال دهقانی فیروزآبادی (به زبان فارسی)، مقاله "مسأله کردهای عراق و ترکیه در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ" از عباس کاکایی (به زبان فارسی)، مقاله "رویارویی احزاب کرد با نظم نوین بین‌المللی" از صباح مفیدی (به زبان فارسی)، کتاب بحران آفرینی قدرت‌های بزرگ در کردستان عراق از

صالح ملا عمر عیسی (به زبان فارسی)، ترجمه فارسی مقاله "خاورمیانه پس از صدام" از فرد هالیدی، مقاله "رویکرد اتحادیه اروپا به خاورمیانه" از محمود واعظی (به زبان فارسی)، و همچنین کتاب "ترکیه، اروپا و کرد در این حلقه" از سامی شورش (به زبان کوردی) از جمله منابعی هستند که تاحدودی مرتبط با رابطه اتحادیه اروپا و منطقه کردستان عراق می‌باشند و در این پژوهش از آنها بهره گرفته شده است.

### **اهداف پژوهش**

علاوه بر علاقه شخصی نگارنده به موضوع، اهمیت این پژوهش در آن است که منطقه کردستان یکی همسایگان دوست و نزدیک به ایران است و اتحادیه اروپا هم یکی از قدرت‌های تأثیر گذار عرصه روابط بین‌الملل می‌باشد، لذا بررسی حضور این قدرت غیرنظامی و "هنجاری" در منطقه‌ای که به لحاظ فرهنگی، زبانی، و قومی متمایز از "دیگران" است علاوه بر اینکه بینش جدیدی به تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی کشور ارائه می‌نماید، همچنین می‌تواند بستری برای آزمایش و پاسخ دادن به برخی از مفروضه‌های نظریات روابط بین‌الملل از جمله سازه‌انگاری باشد که در آن علاوه بر مؤلفه‌های مادی به نقش مؤلفه‌های فرهنگی، هنجاری و اقتصادی در روابط بین‌الملل تأکید می‌شود. لذا این پژوهش درصدد است سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی کشورهای اتحادیه اروپا در منطقه کردستان را مورد بررسی قرار دهد و میزان کارایی سازمان‌ها، شرکت‌ها و نهادهای فرهنگی و اقتصادی اتحادیه اروپا در منطقه کردستان عراق را مشخص نماید.

### **روش انجام پژوهش:**

این پژوهش بصورت تحلیلی-توصیفی انجام شده است. منابع این پژوهش بصورت کتابخانه‌ای (همچنین کتابهای اینترنتی و الکترونیکی)، مصاحبه‌ای (مصاحبه با مقامات سطح اول حکومت منطقه‌ای کردستان عراق و

مسئولین کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های کشورهای اروپایی در منطقه کردستان) و تاحدودی مشاهده‌ای (اطلاعات در خصوص نهادها، شرکت‌ها و موسسات فعال اروپایی در منطقه کردستان) گردآوری شده است.

### مشکلات و تنگناهای پژوهش:

علاوه بر کمبود منابع راجع به روابط منطقه کردستان عراق و اتحادیه اروپا و همچنین مشکلات دسترسی به آرشیوهای روابط خارجی اتحادیه اروپا و حکومت منطقه‌ای کردستان عراق، محرمانه بودن اغلب اسناد مربوط به کردها جزو تنگناهای اصلی این پژوهش بودند. لذا با آگاهی تنگناهای پژوهشی فوق و برای جبران برخی از آنها، علی‌رغم همه سختی‌ها و مشکلات بسیار، نگارنده توانست با سفر به کردستان عراق مصاحبه‌هایی با دکتر "برهم صالح" نخست‌وزیر حکومت منطقه‌ای کردستان و "فلاح مصطفی" وزیر روابط خارجی<sup>۱</sup> حکومت انجام دهد، و با حضور در دانشگاهها و کتابخانه‌ها، کنسولگری‌ها و برخی از نهادهای اروپایی حاضر در صحنه کردستان عراق اطلاعات جدیدی را کسب نماید که بر صحت پژوهش خود بیفزاید.

---

<sup>۱</sup> با توجه به قانون اساسی عراق، حکومت فدرال منطقه کردستان نمی‌تواند سیاست خارجی مستقلی داشته باشد، لذا حکومت منطقه‌ای کردستان بجای وزارت خارجه دارای "مرکز روابط خارجی" است آقای وفلاح مصطفی به عنوان سرپرست این مرکز دارای اختیارات وزیر است. لذا وی را "وزیر" خطاب می‌نمایند

## تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح:

اتحادیه اروپا: یک اتحادیه اقتصادی-سیاسی است که از ۲۸ کشور اروپایی تشکیل شده است. منشا اتحادیه اروپا به جامعه اقتصادی اروپا که در سال ۱۹۵۷ با توافقنامه رم بین ۶ کشور اروپایی شکل گرفت، باز می‌گردد. از آن تاریخ با اضافه شدن اعضای جدید، اتحادیه اروپا بزرگ‌تر شد. در سال ۱۹۹۳، توافق ماستریخت چارچوب قانونی کنونی اتحادیه را پایه‌گذاری کرد. نهادهای اصلی این اتحادیه عبارتند از: شورای اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا، دادگاه اروپا، کنگره اروپا، شورای اروپا و بانک مرکزی اروپا.

کردستان عراق: کردستان عراق که کردستان جنوبی نیز گفته می‌شود شامل مناطق کردنشین شمالی کشور عراق می‌شود. کردستان عراق از شرق با ایران از شمال با ترکیه و از غرب با سوریه هم‌مرز است و بین شش استان اربیل، سلیمانیه، دهوک، کرکوک، خانقین و قسمتهای شمالی استان موصل استان تقسیم شده است.

حکومت منطقه‌ای کردستان در سال ۱۹۹۲ با اولین انتخابات محلی توسط حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان تشکیل شد. حکومت منطقه‌ای کردستان عراق بر سه استان اربیل، سلیمانیه، دهوک و قسمت‌هایی از استان‌های نینوا و دیاله تسلط دارد و همچنین تقاضای پیوست استان گرمیان (کرکوک) و قسمت‌های بزرگ‌تری از استان‌های دیاله و نینوا (موصل) را کرده است. قانون اساسی عراق این منطقه را به عنوان "منطقه فدرال کردستان" به رسمیت می‌شناسد.

عراق جدید: این مفهوم به عراق پس از حمله آمریکا و هم‌پیمانان در مارس سال ۲۰۰۳ به عراق اطلاق می‌شود که پس از آن این کشور شاهد تغییر و تحولات گسترده و عمیقی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و

ژئوپلیتیکی گردیده است. و عوامل ژئوپلیتیکی در این کشور به گونه جدیدی مبادرت به ایفای نقش نموده اند، به نحوی که توانسته اند منطقه خاورمیانه و همسایگان عراق را از نقش جدید خود متأثر سازند.

### خلاصه‌ای از فصل‌های پژوهش:

این پژوهش در پنج فصل نگاشته شده است. فصل اول به بررسی کلیات پژوهش، شامل اهداف، موضوع، بیان مسأله، سوالها و فرضیات، ضرورت و اهمیت پژوهش می‌پردازد.

فصل دوم به بررسی مبانی نظری پژوهش و دیدگاههای نظری "نواقع‌گرایی"، "نهادگرایی نولیبرال" و "سازه-انگاری" در خصوص مفهوم "بازیگر بودن" و همچنین بازیگری اتحادیه اروپا می‌پردازد. نظریات نواقع‌گرایی، نولیبرالیسم و سازه‌انگاری از جمله نظریات کلانی هستند که با توجه ویژگی‌های نظام بین‌الملل به بررسی رفتارهای سیاسی بازیگران بین‌المللی می‌پردازند. از این میان مکتب سازه‌انگاری با توجه به اینکه در کنار عوامل مادی و اقتصادی به تأثیرگذاری عوامل دخیل دیگری همچون رابطه ساختار-کارگزار، هویت و برساختگی آن، منطق رفتار بازیگران و... نیز می‌پردازد، همخوانی و میزان پاسخگویی بیشتر به حوزه "سیاست خارجی اتحادیه اروپا در خاورمیانه و منطقه کردستان عراق" دارد به عنوان چهارچوب اصلی این تحقیق در نظر گرفته شده است.

در فصل سوم جایگاه کردستان در خاورمیانه، کردستان عراق در خاورمیانه و عراق، و همچنین نقش داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی حکومت منطقه‌ای کردستان مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این فصل، علاوه بر پرداختن به موقعیت ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیک، هیدروپولیتیکی و ترانزیتی کردستان عراق، وضعیت بین‌المللی و منطقه-ای کردستان (بالاخص کردستان عراق) را در چهار دوره بعد از جنگ جهانی اول، بعد از جنگ دوم جهانی تا پایان جنگ سرد، پس از جنگ سرد تا ۱۱ سپتامبر و دوره پس از ۱۱ سپتامبر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فصل چهارم به بررسی بنیان‌های سیاست خارجی اتحادیه اروپا در خاورمیانه می‌پردازد. در بخش اول شکل-گیری سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپایی و سپس هنجارهای این سیاست خارجی و مولفه‌های مادی و

هنجاری تأثیرگذار بر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش دوم این فصل به بررسی جایگاه خاورمیانه، عراق و منطقه کردستان در سیاست خارجی اتحادیه اروپا به عنوان "همسایه" این اتحادیه می‌پردازد.

فصل پنجم، بعنوان مهمترین فصل پژوهش، مبانی نظری سازه‌انگاری را مورد آزمایش قرار می‌دهد. در این فصل ابتدا سیاستهای اقتصادی اتحادیه اروپا در عراق و منطقه کردستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش دوم فصل به بررسی سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی اتحادیه اروپا و کشورهای عضو اتحادیه در کردستان عراق و منطقه تحت حاکمیت حکومت منطقه‌ای کردستان می‌پردازد. در این فصل سعی شده است شرکت‌ها، نهادها، سازمانها و موسسات فعال اقتصادی و فرهنگی تأثیر گذار بر روابط دوطرف هم در منطقه کردستان و هم در کشورهای اتحادیه اروپا معرفی شوند. با توجه به اهمیت موضوع ترکیه و اتحادیه اروپا، در بخش سوم این فصل تاحدودی به نقش ترکیه در منطقه کردستان عراق و همچنین موقعیت کردستان ترکیه و چالش کردی ترکیه در ورود به اتحادیه اروپا پرداخته شده است.



فصل دوم:

# مبانی نظری

اتحادیه اروپا سازمان، چهارچوب، نهاد و یا اتحادیه فرادولتی است که هر یک از نظریه های مختلف روابط بین الملل به نحوی مخالف یا موافق به اظهار نظر در مورد آن پرداخته اند. در این بخش پس از بررسی سطح تحلیل تحقیق به شرح تئوری های نورنالیسم، نولیبالیسم و سازه انگاری می پردازیم و پس از بررسی اجمالی هر یک از این نظریات آنان در خصوص بازیگری اتحادیه اروپا پرداخته، و نهایتاً چهارچوب نظری تحقیق را برمی گزینیم.

بخش اول: سطح تحلیل و نظریات کلان سیستمی

### ۱-۱- انواع سطوح تحلیل در سیاست خارجی

سطح تحلیل یعنی سطحی که از آن دیدگاه به امور بین الملل نگریسته می شود. این سطوح می توانند به شناخت، وصف، تجزیه و تحلیل و بالاخره تفسیر انسان جهت دهند و همچنین چگونگی تفسیر رفتار دولت را به ما نشان می دهند. پارامترهای افراد، دولت ها و یا نظام بین الملل پارامترهایی هستند که تأکید بر هر یک از آنها می تواند منجر به دستیابی به نتایج مختلفی در تحلیل و تصمیم گیری سیاست بین الملل و سیاست خارجی شود. برای مثال برخی متفکران محور مطالعه خویش را بر تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر تصمیم گیری سیاست خارجی استوار کرده و با بررسی ارزشها و گرایش های هر یک از افراد تصمیم گیرنده داده های تصمیم گیری را بازتابی از عوامل مزبور تلقی می نمایند. از سوی دیگر برخی از محققان به جای تأکید بر افراد، دولتها را به عنوان بازیگران اصلی سیاست بین الملل مورد مطالعه قرار می دهند و نهادها و افراد تصمیم گیرنده را بخشی از واحد رسمی حکومتی در نظر می گیرند. گروهی دیگر از متفکران در مطالعات سیاست بین الملل مجموعه ای از دولتها را در قالب یک سیستم بین المللی از لحاظ تعاملی که میان عناصر تشکیل دهنده آن نظام وجود دارد مطالعه می کنند.<sup>۱</sup> دیوید سینگری یکی از مهمترین کسانی است که به بحث سطح تحلیل پرداخته است. وی انتخاب سطح تحلیل را تابعی از موضوع پژوهش می داند و از لحاظ منطقی دو سطح تحلیل خرد و کلان را نام می برد. وی اظهار می دارد که در سطح تحلیل خرد به ویژگی های فردی دولت های ملی و در

۱ عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹.

سطح تحلیل کلان به محدودیت های ساختاری نظام بین الملل پرداخته می شود. از دیگر سطح تحلیل می توان به سطوح فردی، منطقه ای، نهادهای تصمیم گیری و سازمانی نیز اشاره کرد<sup>۱</sup>

بنابراین دانشمندان حوزه سیاست و مطالعات بین الملل بطور متعارف سطوح تحلیل را به سه گروه عمده تقسیم بندی می کنند.

### ۱-۱-۱- سطح تحلیل خرد

نظریه پردازان سطح تحلیل خرد-فردی علت رفتارهای سیاسی را بطور کلی در طبیعت بشر جستجو می کنند، به نحوی که بر نظریه های زیست شناختی و روانشناختی منازعه در ریشه های رفتاری انسان تأکید و استدلال می کنند که رقابت ها و منازعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی معلول تلاش انسان برای برآورد ساختن نیازهای روانی و زیستی فرد است.<sup>۲</sup> این گروه از نظریه ها به فاکتورهای داخلی در تعیین سیاست خارجی دولت ها اولویت می دهند. در بین این گروه، برخی از آنها بر روی دولتها به عنوان واحدهای سیاسی تأکید کرده و ریشه رفتارهای سیاسی را در ویژگی های واحدهای سیاسی تشکیل دهنده نظام بین الملل جستجو می کنند. مثالهای بارز این نوع سطح تحلیل مکاتب مارکسیسم و واقع گرایی کلاسیک می باشد.

### ۱-۲-۱- سطح تحلیل کلان

این نظریات، برخلاف سطح تحلیل خرد، رفتار بازیگران سیاسی را در سطح نظام بین الملل و براساس ویژگی های آن بررسی میکنند. با توجه به این نوع سطح تحلیل محرکها، محدودیت ها و معیارهای رفتاری هر بازیگر بیرونی می باشند، به عبارت دیگر ویژگی های فردی بازیگران در انتخاب رفتار آنها نقش ندارند و همزمان با تغییرات ساختاری بین المللی، جایگاه و نقش بازیگران نیز متفاوت می شود.<sup>۳</sup> نظریات نوواقعگرایی، نولیبرالیسم

---

1 J. David Singer, "The Level of Analysis Problem in International Relations", *World Politics*, Vol. 14, No. 1, October 1961, pp. 77-92.

۲ سید جلال دهقانی فیروزآبادی، "تحول در نظریه های منازعه و همکاری در روابط بین الملل"، مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۲، صص ۷۳-۱۱۶.

3 Martin Griffiths, *Fifty Thinkers in International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press, 1999, p 48.

و سازه انگار از جمله نظریات کلانی هستند که با توجه ویژگی های نظام بین الملل به بررسی رفتارهای سیاسی بازیگران بین المللی می پردازند. از این میان مکتب سازه انگاری با توجه به اینکه در کنار عوامل مادی و اقتصادی به تأثیرگذاری عوامل دخیل دیگری همچون رابطه ساختار-کارگزار، هویت و برساختگی آن، منطق رفتار بازیگران و... نیز می پردازد ، همخوانی و میزان پاسخگویی بیشتر به حوزه "سیاست های اتحادیه اروپا در خاورمیانه و کردستان" دارد به عنوان چهارچوب اصلی این تحقیق در نظر گرفته شده است.

بخش دوم: مکاتب فکری و نگاه متفاوت آنها به بازیگری اتحادیه اروپا

## ۱-۲ نوواقع‌گرایی (واقع‌گرایی ساختاری)<sup>۱</sup>

با شروع جنگ سرد واقع‌گرایی به مرحله جدیدی می‌رسد و به صورت رقابت تسلیحاتی بین شرق و غرب نمود پیدا می‌کند. این تفکر که از آن دوران به بعد به نوواقع‌گرایی تغییر پیدا می‌کند نیز همانند شکل کلاسیک آن دولت را به عنوان بازیگر اصلی صحنه سیاست بین‌الملل، و نظام جهانی را "فاقد یک اقتدار مرکزی"<sup>۲</sup> می‌داند. نوواقع‌گرایان به خصوص کنت والتز به عنوان بنیانگذار نظریه تلاش کرده در مطالعه سیاست بین‌الملل نظم‌های دقیق روش‌شناسانه و علمی همانند انسان‌شناسی و اقتصاد را دخیل سازد. اما نوع سطح تحلیل آن با واقع‌گرایی کلاسیک متفاوت است. نوواقع‌گرایی بر خلاف واقع‌گرایی کلاسیک که داری سطح تحلیل خرد می‌باشد، بر نظام بین‌الملل و سطح تحلیل کلان سیستمی تأکید دارد. بدین معنا که معتقد است ساختار نظام بین‌الملل قواعد بازی را مشخص می‌نماید.

کنت والتز متفکر برجسته این مکتب معتقد است که "اگرچه نوواقع‌گرایی یک نظریه واقع‌گرایانه است بطوریکه بسیاری از مفروضه‌های واقع‌گرایی کلاسیک همانند دولت محوری، قدرت محوری، یکپارچگی و عاقل بودن دولت‌ها را در خود دارد، اما برخلاف واقع‌گرایی کلاسیک ریشه جنگ و صلح (رفتار سیاسی) را در ساختار نظام بین‌الملل می‌داند نه در سرشت و ماهیت کشورها"<sup>۳</sup>. بر اساس این دیدگاه، سیاست خارجی و تصمیم‌گیری دولتها در نظام بین‌الملل تحت تأثیر عوامل سیستمیک قرار دارند و مانند توپهای بیلیارد از قاعده هندسه و فیزیک سیاسی تبعیت می‌کند. این امر باعث می‌شود که دولت‌های مختلف با شرایط ایدئولوژیکی و ساختارهای فکری متفاوت تحت تأثیر فشارهای ساختاری، رفتارهای نسبتاً یکسانی را از خود بروز دهند.

---

1 Neorealism, Structural Realism

2 Anarchic

3 Kenneth Waltz, The Theory of International Politics, New York: Addison Wasely, 1979, p. 80

از دیدگاه نواقح گرایان جنگ به دو دلیل ممکن است روی دهد؛ اول اینکه به علت فقدان یک اقتدار مرکزی هر دولتی به خود اجازه حمله به دیگری را می دهد. دومین دلیل از نظر آنها امنیت و یا "معمای امنیت"<sup>۱</sup> است، که این امر نیز به دلیل ساختار بی نظم نظام بین الملل روی می دهد. از این رو کشورها برای حفاظت از استقلال خود ممکن است دست به جنگی بزنند که بافته ذهن آنها از مفهوم تهدید است.<sup>۲</sup> نواقح گرایی برخلاف واقع گرایی کلاسیک که بکارگیری زور و قدرت نظامی را راه متعارف سیاست بین الملل می داند، تمایل زیادی به کاربرد خشونت نشان نمی دهد و بر همکاری های بین المللی تأکید ویژه دارد. اما این مکتب در عین حال ایجاد همکاری در سطح بین المللی را مستلزم حل دو مشکل "فریبکاری" و "سود نسبی" می داند. سود نسبی بدین معناست که کشورها در شرایط بی نظمی به همان اندازه که نسبت به منافع مطلقشان حساس هستند سعی می کنند تا در مقایسه با رقبای خود سود کمتری نبرند. از دیدگاه این مکتب در غیاب یک اقتدار مرکزی بهترین راه ایجاد صلح و امنیت در توزیع برابر قدرت بین قدرت های بزرگ یا "موازنه قدرت"<sup>۳</sup> می باشد. همچنین در زمانیکه موازنه قدرت در میان قدرتها وجود نداشته باشد یک دوره استیلای موقت یک ابر قدرت (هژمونی<sup>۴</sup>) بر جهان روی می دهد. در زمان قدرت این هژمون (استیلاجو) ثبات مبتنی بر استیلا<sup>۵</sup> شکل می گیرد. در این حالت قدرت هژمون نقش یک شبه حکومت را در نظام بین الملل ایفا می کند. محور اصلی این نظریه بر این فرض است که ایجاد ثبات در نظام بین الملل مستلزم وجود دولتی هژمون است که قواعد بازی متقابل را در میان نظام بین الملل تعیین می کند.

در چارچوب نظریه نواقح گرایی گرچه به درون دولت ها و مسائل ایدئولوژیکی، ارزشی، انگاره ای و هنجاری عنایت چندانی نمی شود، لکن فشارهای سیستمیک و ساختاری نظام بین الملل عملاً دولت ها را در فرآیند

---

1 Security Dilemma

2 Robert Jervis, Perception and Misperception in International Politics, Princeton University Press, 1976, p. 15.

3 Balance of Power

4 Hegemony

5 Hegemonic Stability

۶ سید جلال دهقانی فیروزآبادی، پیشین، ص ۱۰۱.

نوعی جامعه پذیری از لحاظ همگون سازی رفتارها قرار می دهد به گونه ای که با وجود تفاوت نظام ها از لحاظ فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی، آنها مشابه هم عمل می کنند. به عبارت دیگر ساختار نظام بین الملل مبادرت به نوعی فرهنگ سازی نموده و هنجار خاصی را به کلیه بازیگران تجویز می نماید. در این فرآیند جامعه پذیری، ترس، تعارض و آشوب زدگی همچنان به عنوان ویژگی های اصلی سیاست بین الملل پابرجا باقی می ماند<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۱- بازگیری اتحادیه اروپا از نگاه نواقح گراها

از دیدگاه نواقح گراها بازگیری بین المللی به معنی نوعی اراده و توانایی جهت شکل دادن به پدیده ها و حوادث بین المللی، حل و فصل بحران های بین المللی و کمک به صلح و امنیت جهانی از طریق بکارگیری همه ابزارها بویژه ابزارهای نظامی است. بنابراین به دلیل فقدان ابزار نظامی-دفاعی در دست اروپائیان و افزایش مطلوبیت روز به روز نیروی نظامی در نظام بین الملل، بازگیری اتحادیه اروپا زیر سوال است.<sup>۲</sup>

براساس اصول مشروحه فوق، از دیدگاه نواقح گراها اتحادیه اروپا نمی تواند به عنوان بازیگر بین المللی مطرح شود، چراکه فاقد ویژگی هایی همچون حاکمیت، استقلال و قدرت نظامی است. مهمترین عاملی که منجر به چنین فرایندی می شود، برداشت آنها از آنارشی و تعاریف نواقح گرایی از آن است. نواقح گرایان نظام بین الملل را آنارشیک به معنای نبود یک اقتدار مرکزی می دانند. آنارشی مد نظر نواقح گرایان منجر به بروز سه رفتار سیاسی از سوی کشورها می گردد:

۱. کشورها نسبت به همدیگر بی اعتماد هستند
۲. مهمترین هدف کشورها حفظ بقا و ادامه حیات است. چراکه همواره خود را در معرض تهدیدات مختلف می بینند.

---

1 Waltz, Op, p 83.

2 B. White, "the European Challenge of Foreign Policy", *European Journal of International Relations*, Vol. 5, No.1, 1999, pp 37-66.

۳. کشورها در نظام بین الملل سعی دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند، چراکه افزایش قدرت ضریب امنیتی دولت‌ها را بالا می‌برد.

علاوه بر برداشت آنها از مفهوم آنارشیک بودن نظام بین الملل، از منظر نواقع گرایان دو عامل دیگر در کاهش نقش آفرینی اتحادیه اروپا در نظام بین الملل موثر می‌باشد که این دو عامل عبارتند از: عدم انسجام و همبستگی داخلی یا وجود منافع ملی متعارض و همچنین فقدان مولفه های قدرت و ابزارهای سیاسی خارجی در فضای آنارشیک.<sup>۱</sup>

نرسیدن به اجماع سیاسی میان اعضای اتحادیه تا حدود زیادی این اتحادیه را با انفعال روبرو می‌کند. در حقیقت اتحادیه اروپا از درپیش گرفتن اقدامات واحد و اتخاذ مواضع مشترک ناتوان است مگر آنکه موفق شود دیدگاههای اعضا در مورد امور جهانی را به هم نزدیک و منافع متباین آنها را با هم سازگار کند.<sup>۲</sup> درون مجموعه ای به نام اتحادیه اروپا هنوز دولت‌ها به آن حد از اعتماد نرسیده اند که در مورد فریب از سوی یکدیگر اطمینان کامل داشته باشند و به ندرت می‌توانند بر اساس تلقی مثبت اقدام به عمل مشترک در صحنه بین المللی کنند.

علاوه بر آن، در صورتیکه اعضای اتحادیه اروپا مایل به جدی گرفته شدن در موضوعات مهم بین المللی و کسب نفوذ بین المللی باشند باید حداکثر تلاش خود را برای ایجاد قدرت نظامی مبذول دارند، و به درجه ای از قدرت برسند که حداقل مشابه و همسان ابرقدرتهای معاصر باشد.<sup>۳</sup>

بطور خلاصه، نواقع گراها معتقدند که نقش آفرینی اتحادیه اروپا در جامعه بین المللی با محدودیتها و مشکلات اساسی روبروست و تنها تا اندازه ای تحقق یافته است. منافع ملی متضاد و فقدان توانایی دفاعی از

---

۱ سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، "سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپایی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، ویژه اروپا، تابستان ۱۳۷۸، صص ۹۲-۱۰۳.

۲ همان، ص ۹۷

۳ پیمان وهاب پور، نقش آفرینی اتحادیه اروپا در نظام بین الملل براساس دیدگاه سازه انگاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۵، ص ۱۳.



نقش آفرینی اتحادیه اروپا به صورت یک بازیگر بین‌المللی می‌کاهند. اتحادیه اروپا یک بازیگر انفعالی و ناتوان باقی خواهد ماند که فقط به صورت حاشیه‌ای بر جریان حوادث بین‌المللی تأثیر می‌گذارد، مگر اینکه از نیروی نظامی مستقل و خودمختار برخوردار باشد.

اما علی‌رغم نظریات نواقع‌گراها، اتحادیه اروپا در ابعاد امنیتی و نظامی هم نقش‌آفرین بوده است. همزمان با طرح سیاست دفاعی و امنیتی اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹، مقوله امکان‌سنجی ایجاد جهانی امن‌تر به مدد همگرایی دفاعی - امنیتی در اروپا و حوزه فرآتلانتیک موضوعیت یافت. موضوعاتی نظیر ضرورت مدیریت بحران بالکان و کوزوو، همچنین مباحث ناشی از ارتباطات تنگاتنگ امنیتی - راهبردی میان کشورهای اروپایی با مناقشات فرامنطقه‌ای، از ابعاد تأثیرگذاری بر این مسئله بوده‌اند. هم‌اینکه علی‌رغم پاره‌ای اختلاف نظرها، تحلیل‌گران سازمان‌های بین‌المللی معتقدند افزایش همگرایی ناتو و اتحادیه اروپا می‌تواند به ارتقای امنیتی اروپا و در سطحی وسیع‌تر فضای امنیتی پیرامونی آن با وجود مسائلی نظیر کنترل تسلیحات و خلع سلاح گردد. مبحثی که هم‌اکنون به دلیل ماهیت مأموریت‌های جدید اتحادیه اروپا، ابعاد خاصی به خود گرفته است که از جهات مختلف قابل بررسی است. در واقع نقش سیاست دفاعی و امنیتی اتحادیه اروپا، امروزه فراتر از مباحث دفاعی به محوری هویتی و هنجاری رویکرد داشته است. هم‌اینک، به دلیل دگرگونی در هنجارهای امنیتی، دولت‌های اروپایی می‌کوشند تا با بهره‌گیری از همگرایی با سازوکارهای فرآتلانتیکی، جایگاه خود را در امنیت بین‌المللی ارتقا دهند.<sup>۱</sup>

## ۲-۲- نظریه نولیبرالیسم<sup>۲</sup> (نهاد‌گرایی لیبرال)

نظریه نولیبرالیسم یا نهاد‌گرایی نولیبرال واکنشی به نظریه نواقع‌گرایی بود که در اواسط دهه ۱۹۸۰ ظهور می‌کند. این نظریه تلاش دارد با استفاده از اصول و پیش‌فرض‌های نواقع‌گرایی، میزان و درجه نهادینگی در سطح بین‌الملل را شرح دهد. هسته مرکزی نهاد‌گرایی نولیبرال را پنج اصل یا پیش‌فرض تشکیل می‌دهد. این

---

۱ آلیسون جی. ک. بالیس، "اتحادیه اروپا و جهانی بهتر: نقش سیاست دفاعی و امنیتی اتحادیه اروپایی"، ترجمه سید علی طباطبائی، پژوهشنامه سازمان‌های

بین‌المللی، شماره ۵، مهر ۱۳۸۸، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

پنج پیش فرض عبارتند از: نظام بین الملل عامل تعیین کننده رفتار کشورها و داده های سیاست بین الملل است. نظام بین الملل آنارشیک است. کشورها موجوداتی عاقل هستند. کشورها مهم ترین بازیگران بین الملل می باشند. نهادهای بین المللی در سیاست بین الملل نقش مهمی ایفا می کنند.<sup>۱</sup>

نظریه نهادگرایی نولیبرال بر خلاف واقع گرایی معتقد است که روابط بین الملل ماهیتاً خشونت آمیز نیست و جنگ نیز یک استثناست. بنابراین حتی در شرایط بی نظمی و فقدان یک حکومت مرکزی در سطح جهان می توان با کمک نهادها و سازمان های بین المللی به همکاری دست یافت.

یکی از مفاهیم کلیدی این نظریه مفهوم "وابستگی متقابل پیچیده"<sup>۲</sup> است که در دهه ی ۱۹۷۰ توسط رابرت کیوهن<sup>۳</sup> و جوزف نای<sup>۴</sup> ارائه می شود. آنها می کوشند تا با طرح مفهوم و چهارچوب نظری وابستگی متقابل شیوه متفاوتی را برای روابط بین الملل مطرح سازند. وابستگی متقابل پیچیده از این منظر یک نوع آرمان در مقابل نوع آرمانی واقع گرایی یعنی منازعه دائمی برای افزایش برتری است<sup>۵</sup>

وابستگی متقابل سه ویژگی اساس دارد: اولاً از طریق مجاری چند گانه<sup>۶</sup> شامل روابط غیررسمی میان نخبگان دولتی و ترتیبات رسمی وزارت خانه های امور خارجه، روابط غیر رسمی میان نخبگان غیر دولتی و سازمان های فراملی (مثل بانک ها یا شرکت های چند ملیتی) شکل می گیرد. دوم اینکه امنیت نظامی همواره در رأس مسائل قرار ندارد، و سوم در چهارچوب منطقه ای که مسائل وابستگی متقابل پیچیده بر آنها حاکم است، دولت ها به کاربرد نیروی نظامی بر علیه یکدیگر متوسل نمی شوند، اما در روابط بین این دولت ها در زمینه های

---

۱ سید جلال دهقانی فیروزآبادی، "نظریه نهادگرایی نولیبرال و همکاری های بین المللی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷، ص ۵۶۸.

## 2 Complex Interdependence

### 3 Robert Keohane

### 4 Joseph Nye

۵ حسین سلیمی، نظریه های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴، ص ۶۵.

## 6 Multiple Channels

دیگر با دولت های خارج از منطقه مذکور، نیروی نظامی ممکن است اهمیت داشته باشد. بر این اساس، هژمونی و تفوق بر مبنای یک قدرت نظامی در دنیای وابستگی متقابل به پایان رسیده است.<sup>۱</sup>

## ۱-۲-۲ نقش آفرینی اتحادیه اروپا از دیدگاه نولیبرالها

چنانچه بخواهیم نقش آفرینی اتحادیه اروپا را از دیدگاه نولیبرالیسم مورد تحلیل قرار دهیم باید دو بعد داخلی و خارجی نقشی که یک سازمان فراملی می تواند در نظام بین الملل ایفا کند تمایز قائل شویم. اول اینکه نقش نهادهای داخلی بین المللی به معنای تأثیرگذاری آنها بر رفتار و اقدامات کشورهای عضو در جهت تسهیل هماهنگی سیاسی بین آنهاست. دوم، نولیبرالها نهاد فراملی را به عنوان یک بازیگر "کارکردی منفعل" میدانند که در ارتباط با کارکردی که به آن محول شده است تعریف می شود.<sup>۲</sup>

یکی از مفروضات محوری نهادگرایی نولیبرال این است که نهادهای فراملی در سیاست بین الملل نقش موثری دارند، به این ترتیب که این سازمانها باعث ارتقا سطح همکاری بین کشورها از طریق رفع مشکلات "اقدام دسته جمعی" یا "شکست بازار" و کاهش هزینه های داد و ستد می شوند. این فرض پیامدهای مهمی برای نقش آفرینی اتحادیه اروپا دارد. نولیبرالیسم در خصوص کارایی و نقش خارجی اتحادیه اروپا مفروضات صریحی ندارد.<sup>۳</sup>

در مورد نقش آفرینی یک بازیگر بین المللی، نولیبرالیسم از حیث اهمیت نسبی امنیت نظامی، نقش نیروی نظامی در سیاست بین الملل و قابلیت تعویض منابع قدرت در میان حوزه های موضوعی مختلف با نواقح گرایشی تضاد دارد و آن را به چالش می طلبد.<sup>۴</sup>

---

۱ رک: وحید بزرگی، نظریه های روابط بین الملل، تهران: ماجد، ۱۳۷۵، صص ۹۴۷-۹۴۹

۲ سید جلال دهقانی فیروزآبادی، پیشین، ص ۵۷۰.

۳ همان.

۴ پیمان وهاب پور، پیشین، ص ۱۵.

کیوهن یکی از پشروان نظریه نهادگرایی لیبرال اظهار می دارد که "سازمان اتحادیه اروپا از سازمان یک دولت متفاوت است، به همین دلیل حاکمیت بیش از آنکه در سطوح عالی متمرکز شده باشد، تقسیم شده است. اتحادیه اروپا صرفاً موجودیت فراملی نیست بلکه یک نهاد چند سطحی است".<sup>۱</sup> از این دیدگاه نقشی که یک بازیگر بین المللی می تواند ایفا کند، بوسیله سرشت و ماهیت نظام و حوزه موضوعی مربوط تعیین می شود. جایگاه سیستم تغییر می کند شرایط برای بازیگر بودن تغییر می کند، انگیزه و منافع بازیگران از وضعیتی به وضعیت دیگر و از موضوعی به موضوع دیگر نیز متفاوت می شود.<sup>۱</sup> میزان تعقیب منافع نسبی بوسیله کشورها بستگی به موقعیتها و انتظارات آنها دارد. به عبارت دیگر، نگرانی از منافع نسبی و تلاش برای به حداکثر رساندن قدرت، مشروط و مقید می باشد.

بر اساس این دیدگاه بازیگری و نقش آفرینی اتحادیه اروپا رابطه تنگاتنگی با ساختار بین المللی دارد. در ساختار چندگانه نظام بین الملل، اتحادیه اروپا می تواند یا باید با توسل به اهرمهای متمرکز و غیرمتمرکز، بسته به شرایط مختلف و اهداف معین به اعمال نفوذ و قدرت بپردازد. با توجه به اینکه نقشها براساس موقعیت فضایی و مکانی تعریف و تبیین می شوند، لذا ما می توانیم از اتحادیه اروپا برای تعقیب و اجرای نقشهای متفاوت در تحولات مختلف و فضاها موضوعی متفاوتی انتظار داشته باشیم.<sup>۲</sup> جایگاه نظام تغییر می کند شرایط برای بازیگر بودن نیز تغییر می کند.

بطور خلاصه، نولیبرالیستها بازیگری اتحادیه اروپا را فقط در حوزه های اقتصادی و مدنی قابل دفاع می دانند، به عقیده آنها اتحادیه اروپا در حوزه های دفاعی و امنیتی، حل بحران های بین المللی، مداخلات نظامی از طریق ابزار نظامی فاقد نقش آفرینی جهانی است. لذا، اتحادیه اروپا زمانی می تواند به یک بازیگر بین المللی تبدیل شود که در همه حوزه های اقتصادی، مدنی و نظامی تأثیر گذار باشد.<sup>۳</sup>

---

۱ به نقل از: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، پیشین.

۲ همان.

3 B. White, Op, p 103.